

آراء و عقاید در اسلام (نظراتی)

مرحوم محمد ضیاء هشرودی که از دانشمندان و نویسندگان بنام بود و با مجلات ادبی همکاری داشتند قبل از فوت خود مقاله‌های نگاشته و برای درج در مجله مهر فرستاده بودند گرچه سخن ایشان درین زمینه ناتمام مانده است. با تصویب هیئت تحریریه بمنظور یادبود و تجلیل از مقام علمی ایشان بطبع آن اقدام شد.

هنوز مدتی از جمع و تدین قرآن سپری نشده بود که روایتی از عثمان - ذوالنورین در افواه افتاده او میگفت در مصحف لحنی چند باقیست و قوم عرب خود هنگام قرأت آنها را اصلاح خواهند کرد گفتندش چرا خود باصلاح آن قیام نکنی پاسخ داد که بهلید آنرا چرا که نه حلالی را حرام میکند و نه حرامی را حلال (*) هر چند عثمان در کتابت وحی یحق یا بناحق بتفسیر و خوض متهم بود اما در هر حال از اصلاح لحن موجوده در قرآن خودداری کرد و شاید هم از روی عاقبت اندیشی تا مبدا هدف شنبعت و ملامت صحابه و عامه‌ی مسلمین واقع گردد بهراس افتاد در صورتی که با بودن شخصیت بارز علمی و ادبی چون علی مرتضی (ع) هیچ مانعی برای اصلاح قرآن در پیش نبود شاید هم فی الواقع از روی تنبلی و سست عنصری درین کار اهمال ورزید بیک احتمال هم خواست عمداً ثلمه‌ای در رکن اصلی اسلام باقی بماند اینقدر هست که اگر روایت مزبور اساسی داشته باشد عثمان یعنی خلیفه سوم قوم عرب را در اصلاح قرأت قرآن مجاز دانسته است.

اختلاف سیاسی ابتدا در زمان خلافت ابی بکر گوشه‌ی ابروئی نموده در نتیجه فداکاری و از خودگذشتگی علی مرتضی (ع) موقتاً تا زمان امارت ظاهری خود آن رادمرد فرزانه رخساره نهان کرده بود اما پس از واقعه شوم تحکیم دوباره همان سیمای زشت اختلاف، نقاب از رخ برافکند و بوضع ناهنجاری نمایان گردید.

هو الذی انزل علیک الکتاب منه آیات محکمات هن ام الکتاب و اخر متشابهات فاما الذین فی قلوبهم زغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنه و ابتغاء تاویله و ما یعلم تاویله الا الله و الراسخون فی العلم یقولون آمانه کل من عند ربنا و ما بذکر الا اولو الالکتاب (*) چنانکه دیده میشود آیات قرآنی بردو صنف تقسیم یافته محکمات و متشابهات.

در قدیمترین تفسیر موجود محکمات را چنین تعریف میکند. (*) (*)

«مبینات بالاحلال و الحرام لم ینسخ، یعمل بها» محصل آنکه محکمات آیاتی هستند بیان کننده حلال و حرام که منسوخ نشده‌اند و بدانها عمل میشود اما این تعریف چندان استوار نمی‌نماید و هستند آیات بسیاری از قرآن که وارسته از حلال و حرام بوده و جزو محکمات بشمار میروند مثلاً مانند آیه شریفه:

«لا یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم» که منسوخ نیست و در عین

(*) حجة العلماء اثر علامه محمد هادی تهرانی جلد اول صفحه ۱۲۸ بنقل از تفسیر ثعلبی.

(*) تفسیر تنویر المقیاس تلخیص فیروز آبادی از تفسیر ابن عباس

(*) سوره آل عمران آیه هفتم، صفحه ۴۰ از قرآن چاپ عبدالحمید حنفی

حال با حلال و حرام هم کاری ندارد .

علامه زمخشری (جارالله) در تفسیر خود بنام کشاف مینویسد «محکمت ای احکمت عبارتها بآن حفظ من الاحتمال والاشتباه» و «متشابهات ای مشتبهات و محتملات» .

چنانکه ملاحظه میشود علامه ز مخشری ابتدا متشابهات را در نظر قرار داده سپس تعریف محکمت را منوط بتعریف متشابهات دانسته است لاجرم میگوید در محکمت آیات ترکیب و تلعیق آیه چنان مستحکم و استوار است که تنها يك معنای مقصود را می‌رساند و احتمال دیگری در آن راه نمی‌یابد .

در تعریف محکم و متشابه آراء و عقاید بسیاری موجود است که بتفصیل در تفسیر (المیزان) استاد علامه سید محمد حسین طباطبائی دامت افاضاته اشارت رفته است . (*)

اما را سخنان در علم مذکور در آیه شریفه کسانی هستند که ظاهرا در تاویل متشابهات از روی محکمت حدقی دارند بعبارة آخری در تاویل آیات متشابهه مجاز شمرده میشوند باوجود این مطلب در صدر اسلام کسی جسارت آن نیافت که خود را از جمله‌ی راسخان در علم بشمارد و در آیه ای متشابهه اظهار رای کند مخصوصا خلیفه ثانی شخصی بنام ابن صبیغ را که بمدینه آمده و همین قدر از متشابهات قرآن پرسشی ساده بمیان آورده بود کیفر داده مسلمانان را از مجالست با او منع کرد لاجرم فعل عمر خطاب موافقت داشت با حدیثی که از خود رسول اکرم روایت میشد که هر تفسیری برای ورویت شخصی اگرچه صواب بوده باشد خطاست «من قال فی القرآن بالرای فاصاب فقد اخطاء»

مستشرق دانشمند انگلیسی گولدتسیهر کتابی در تحقیق مذاهب تفسیر اسلامی نگاشته ، درین کتاب طبقات مفسرین را اجمالا بینج صنف مهم تقسیم کرده .

۱ - پیروان حدیث ماثور . ۲ - اصحاب رأی و نظر . ۳ - اصحاب طریقت و مسلک { اهل تشیع دینی ۵ - گروندگان تمدن اسلامی .

صنف اول یعنی پیروان حدیث ماثورا عقیده بر آن است که علم واقعی علمست که منبع آن اقوال قدیمترین ثقات باشد و آن روایتی است که بتواتر راویان بگفتار شفاهی صحیح النسب تفرقه معتمد علیه دینی پیوندد، و تنها همین ثقاتند که سزاوار عنوان علمیت دینی میباشد تا جایی که می‌گفتند شناسائی يك حادثه تاریخی سزاوار تصدیق هم منوط بدانست که بواسطه يك سلسله اسناد معتبره عاقبت بشاهد عینی درخور اعتماد پیوسته شود ، پیرو حدیث ماثور هرگز خود را مجاز در تفکر و انتقاد يك آیه قرآنی ولومتشابه ، نمیشمارد و این عمل را کفر محض می‌پندارد .

در سوره فرقان آیه ۵۹ آمده است :

الذی خلق السموات والارض وما بینهما فی ستة ایام ثم استوی علی العرش الرحمن ؛
فسلل به خبیرا .

میفرماید آنکه آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست در شش روز آفرید سپس آهنگ عرش کرد خداوند مهربان است و او بهر چیزی خبیر میباشد .
در سوره یس آمده است .

وهو الخلاق العظیم انما امره ادا اراد شیئا آن یقول له کن فیکون . آیه (۸۱)

اوست خالق داناکار وی در وقتی که چیزی را بخواهد ، میگوید بشو و آن چیز

میشود (موجود).

يك پيرو حديث ماثور هرگز بخود اجازت نميدهد كه در فحوای اين دو آيه بينديشد تا چه رسد باینكه مضامين آندورا با يكديگر در مورد آزمایش و سنجش در آورد و سپس از خود بپرسد (*).

چنانچه خداوند اراده كند يك لمحهی بصر ميتواند تمام آسمانها و زمين را و آنچه در ميان آنهاست با گفتن يك لفظ (كن) بيافريند چگونه شده است كه خود را شش روز تمام بزحمت افكنده و درساختن و پرداختن آنها رنج و مشقت برده است (*). هر دو آيه چندین بار در سوره های مختلفه تکرار شده والا شاید ميتوانستيم بگوئيم مضامين آنها از باب ناسخ و منسوخ میباشد ليكن با محکم بودن هر دو آيه اين احتمال هم از ميان ميرود در هر حال اگر جهان عالم رندی را بتوان باجهان عالم پيروان حديث ماثور تشبيه بهم كرد بخوبی ميتوان گفت آنچه حافظ گفته است .
فكر خود و رای خود در عالم رندی نيست

كفرست درين مذهب خوديني و خود راين

باوجود عقیده بحديث ماثور اميال سياسی و حزبی طبقات متنوعی مختلفه از ملت اسلام در احاديث و اخباری كه با سيرت و سنت رسول اكرم و مغازی وی در تاريخ اسلام مربوطند تأثير مطلوب يا نامطلوب بخشیده و هر چند درظاهر شائبه‌ی شك و ربا در آنها راه نيافته ولی از همان ابتدا نقائص و اختلافات بسيار توليد نموده است . گروه دوم يعنی اصحاب رای و نظر می گفتند مآكه بخود اجازه میدهيم متشابهات قرآن تفكر و انتقاد بعمل آوريم چرا دايره‌ی اين فكر و نقد را وسعت ندهيم و عقل و منطق خود را در ميدان محكمات آيات بكار نيندازيم اين گروه از اصحاب رای و رویت همانند كه معتزله ناميده ميشوند .

در حوالی سنه ۳۱۷ هجری مطابق ۹۲۹ ميلادی فتنه‌ی بغداد بر سر مسئله‌ی از مسائل تفسير بوقوع پيوست .
این مسئله عبارت بود از تفسير آيه ۷۹ از سوره‌ی اسراء : «ومن الليل فتهجد به نافلة لك عسى ان يبعثك ربك مقاماً محموداً» .

فحوای آيه اينكه «در خلال شب برخيز و نافله‌ای بجای آور (نماز يا قرائت قرآن) تا شايد خداوند ترا در مقام شايسته‌ای برانگيزاند» .
گروه حنابله و براس ايشان اسحق مروزی برآن شدند كه خداوند جل و علايفمبر را پياداش تهجدش باخود در عرش همنشين ميسازد . بزودی اين رای با مختصر تفاوتی در ميان اهل سنت پيچيد و اينان رای زدند كه خداوند پياداش تهجد پيغمبر را مرتبه‌ی شفاعت می بخشد .
برای هر کدام از اين دو تفسير هواخواهانی دامن بالا زدند فتنه و آشوبی برخاست خونهاروان گرديد و گروهی كشته شدند ناچار قوه قهریه مداخله کرده فتنه را فرونشاند (*).

معتزليان تا اين حد هم توقف نکردند عقل و منطق خود را در تفسير آيات (محكمات و متشابهات) بكار آورده از ايمان بسحر و كهانت سرباز زدند حال آنكه در سورتين معوذتين خداوند بوجود سحر و كهانت و تأثير آن در پيغمبر اسلام آشكارا

(* صحيح ترمذی جلد ۲ صفحه ۱۵۷ (اين حديث مشكوك بنظر ميرسد .)

(* گفتار اسپنر "Spencer" فيلسوف بارع انگليسی در كتاب سازمان اجتماعی

ترجمه بفرانسه

(* كامل ابن اثير وقایع سال ۳۱۷ هجری . كتاب مذاهب تفسير صفحه ۱۲۳

معتبرف گشته است و همچنین گروه معتزله یادست کم جماعتی از کبار فرقه یانکار وجود جن برخاستند هرچند که انکار جن در نظر مسلمانان آن روز چون نهضتی بقصد انحلال عقیده (**) (**) اسلامی تلقی گردید لیکن بعدها ابن حزم اندلسی که از علمای متعصب در نقل بشمار میرود منکر آن وجود جن را کافر خواند و خون و مال ایشان را چون منکران وجود خدا و مشرکان بخدا مهدور دانست .
گروه سوم اصحاب مسلک و طریقتند و مقصود از آن گروهیست که تفسیر قرآن را باستناد طریقت یا مسلک خود انجام میدهند .

(*) (*) ؛ مرجع الذهب مسعودی جلد ۳ صفحه ۱۵۳

حسن صفت

روزیکه جزای هر صفت خواهد بود

قدر تو بقدر معرفت خواهد بود .

در حسن صفت کوش که در روز جزا

حشر تو بصورت صفت خواهد بود .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی